

جرعه‌ای از دریای نماز

عباس احمدی سعدی

مقدمه

سخاوتمندانه بر عطشناکی انسان فرو ریخته است؛ آن هم بی هیچ مزد و منت: «قل لا أسئلكم علیه اجراً» [شعراء / ۱۰۱]. و آن چشمه جوشان چیزی نیست، مگر «دین الهی».

این قصه بشریت، در همه روزگاران است. آدمی را چاره‌ای جز این نیست، که همیشه در مسیر جستجوی این گوهر بی بدیل، دشواریهای آن را تحمل کند. و چه خوب می‌گوید سقراط حکیم: «شریفترین تمام تحقیقات عبارت است از دریافتن اینکه آدمیزاد چگونه باید بشود، و از پی چه باید بگردد» [افلاطون، مجموعه آثار افلاطون، ج ۱، رساله گرگیاس].

دین الهی به عنوان یگانه صراط هدایت انسان به سوی کمالات شایسته‌اش، تجلیات و ظهورات گوناگونی دارد. این دین همچون اقیانوسی است، که غواصان معانی از هر نقطه آن، گوهری دیگر به چنگ می‌آورند.

مهمترین گوهر شاهوار این دریای بیکران، همانا «عبودیت» است که تالو آن، در قاموس «نماز» قلب انسانهای خردمند را روشن می‌سازد.

انسان از بدو شناخت خود و جهان، همواره گرفتار یک سلسله نگرانیها و پرسشها بوده است؛ پرسشهایی که جان تشنه‌اش را از درون می‌آزردند، و مغز و فکر آدمی را بی‌صبرانه در پاسخگویی، به زحمت و رنج می‌انداختند.

جان خسته انسان در این برهوت بی‌انتهای جرعه‌ای سیراب‌کننده، از راههای گوناگونی وارد شده است. اما پس از اندک زمانی، دریافته که فریب سراب را خورده است. آیینهای بشری و ساختگی، فلسفه‌های رنگارنگ، آداب و رسوم عجیب و غریب، زهد و ریاضتهای جانکاه، همه و همه گویی حيله‌ای بوده است برای پاسخ به یک نیاز حقیقی، که ذات انسانیت را بدان سرشته‌اند.

در این غوغای مرگبار در طول تاریخ، فقط یک چشمه را می‌شناسیم که به کام خکشیده آدمی نه شور آب شک و تردید، نه شرنگ پوچی و هیچ‌انگاری، و نه فلسفه‌های حیرت‌زا را فشانده، بلکه از سر شفقت و رحمت سردابی از معرفت و یقین را

نماز در قرآن

در اسلام، حقیقت اصیلی به نام تسلیم و تعبد، با تعبیرهای گوناگون به چشم می خورد. تعبد و بندگی، حکم و قضای الهی است. دست ربوبی، چنین حقیقتی را ایجاد و امر کرده است: «وقضی ربک الا تعبدوا الا اياه» [اسراء/۲۳] (و پروردگارت چنین حکم کرد که پرستش نکنید مگر او را).

عبودیت و پرستش در اسلام، منحصر به یک شکل خاص و زمان معین نیست، بلکه یک فرهنگ و روش فراگیر است که انسان می تواند در تمام لحظات حیات، بدان اشتغال ورزد. این واقعیت، از آموزه های قرآنی و دینی معلوم می شود. گویی خداوند چنان امتیاز و فرصتی به انسان مؤمن عنایت کرده است که هر فعل و کردار پسندیده ای که قرین قصد و نیت نزدیکی و تقرب به خداوند باشد، عبادت محسوب شود. این معنا، از گستره وسیع عبودیت در اسلام حکایت می کند.

بدین ترتیب، مصداقهای عبادت از نظر تعالیم دینی اسلام نامحدود می شود؛ به طوری که می توان مرتکب فعل مباح نشد و به واسطه نیت خود آن را به زیور تعبد آراست، و دائماً خود را در پرستشگاه و محضر حق مشاهده کرد. حضرت امیر(ع) همین حالت را از پروردگار استمداد می خواستند و در دعای کمیل می فرمودند: «... حتی تکون اعمالی و اورادی کلها و رداً واحداً و حالی فی خدمتک سرمداً» (پروردگارا! چنان اوقات روز و شبم را به ذکر خود آباد ساز که همه کردار و یادهای من، به یک ذکر واحد تبدیل شود. و حال و حضور من در محضر و خدمت تو، جاودان باشد).

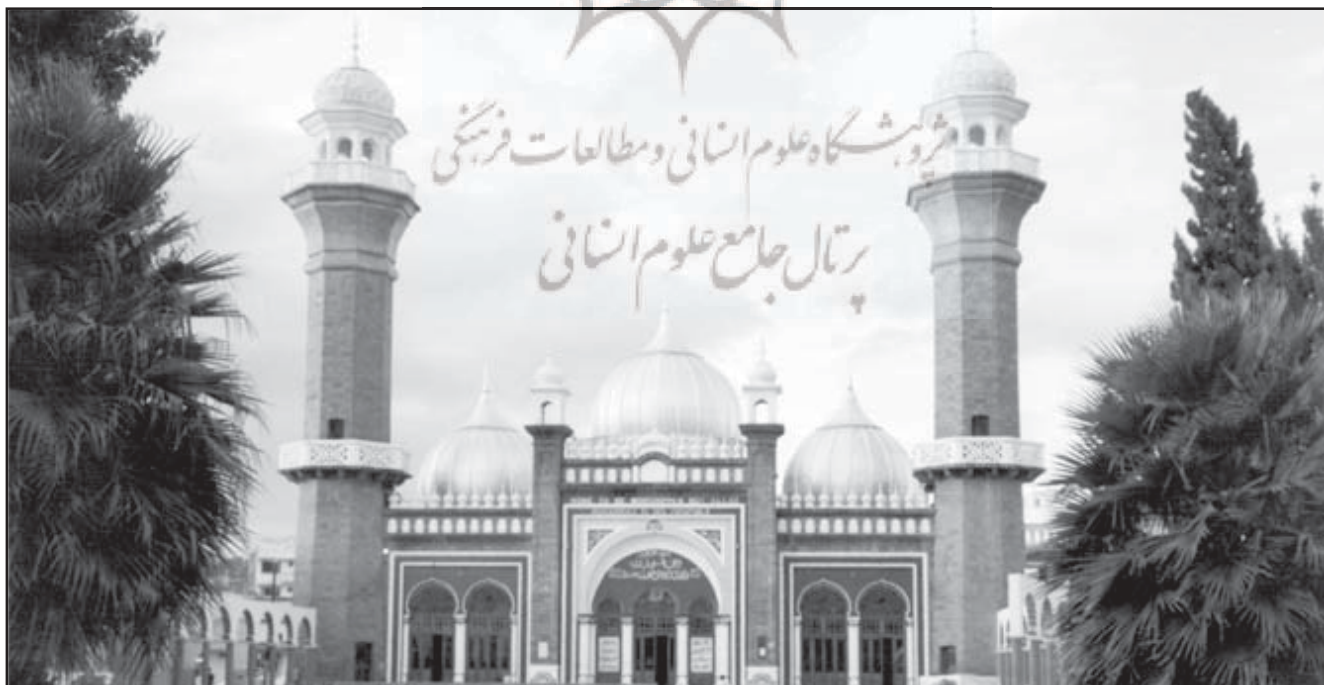
نماز به عنوان برترین و بارزترین نماد پرستش، عبودیت و درخشش گوهر بندگی، در میان دیگر عبادات، مقام و مرتبتی خاص دارد. این جایگاه ویژه برای نماز را از زبان حدیث، چنین درمی یابیم که پیامبر اسلام(ص) فرمودند: «ان عمودالدین الصلاة و هی اول ما ینظر فیہ من عمل ابن آدم فان صحت نظر فی عمله و ان لم تصح لم ینظر فی بقیه عمله» (همانا نماز ستون دین است. و آن، اولین چیزی است از اعمال فرزند آدم(انسان) که به آن توجه و محاسبه می گردد. اگر نماز درست و صحیح بود، به عمل او نیز توجه می شود. و اگر صحیح نبود، در باقی اعمال او هم نظری و توجهی نمی شود) [مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۲، ۲۲۷؛ ریشهری، میزان الحکمة، ج ۵، ۳۷۴].

بر اساس این حدیث ملاک قبولی دیگر اعمال انسان، نماز است. همین امر، نشانه اهمیت و جایگاه خاص نماز، از دیگر عبادات و افعال است. در قرآن کریم، بر مسئله نماز به صورتهای مختلف و موارد متعدد، تأکید شده است؛ که به برخی از آنها اشاره می شود.

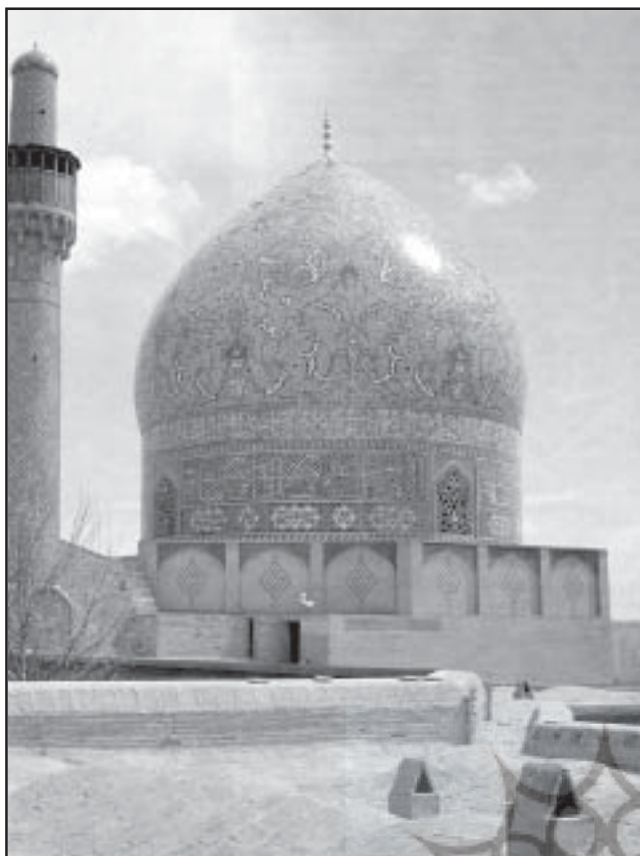
۱. نماز فرمان صریح خداوند

نماز، فرمان و دستور صریح خداوند است: «أقم الصلاة، ان الصلاة تنهی عن الفحشاء والمنکر» [عنکبوت/۴۵] (نماز را به پادار. همانا نماز از بدی و زشتی باز می دارد).

یکی از مهمترین آثار روحی و فردی نماز، جنبه بازدارندگی آن است که ناگزیر برکات آن، در سطح اجتماع نیز آشکار می شود. از آنجا که اجتماع مجموعه ای از افراد و آحاد انسان است، لذا هر تأثیری که از رهگذر نماز برای نمازگزار حاصل شود، همان تأثیر کم و بیش در جامعه دینداران و نمازگزاران نمایان خواهد شد. از قرنهای پیش، این واقعیت را دانشمندان و



مسجد محمد رسول الله(ص)، تانزانیا



مدرسه چهارباغ، اصفهان

امام باقر(ع) در تفسیر و بیان آیه مذکور می فرمایند: «لاتقم الی الصلاة متکاسلاً و لامتناعساً و لامتثاقلاً فأنها من خلل النفاق، فإن الله نبی المؤمنین ان یقوموا الی الصلاة و هم سکاری یعنی من النوم» (برای نماز برنخیز در حالی که خسته، خواب آلود یا سنگین هستی. همانا، اینها باعث نفاق است. و خداوند مؤمنان را نبی کرد که در حال مستی و نابخردی نماز را به پا دارند؛ یعنی، در حالی که خواب آلودند) [مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۴، ۲۳۱].
چنانکه ملاحظه می شود برخلاف تصور اغلب مردم، منظور از سکران و مستی در این آیه، مستی حاصل از شراب و مایعات سکرآور نیست؛ بلکه مراد، حالت کسالت، چرت و سنگینی انسان است که با روح نماز منافات دارد و مانع آن است که نمازگزار بفهمد چه می کند و باچه کسی سخن می گوید.

امور باطنی و کیفی نماز

علاوه بر شرایط ظاهری نماز، قرآن کریم به امور درونی و کیفی نماز نیز اشاره کرده است که در اصل ارزش و اعتبار نماز، بدان آداب و شرایط معلوم می شود. یکی از این امور، خشوع است. قرآن در این باره می فرماید: «قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلاتهم خاشعون» [مؤمنون/۱-۲] (بدرستی که مؤمنان رستگار شدند، همان کسانی که در نمازهایشان خاضعند).

در معنای «خشوع»، از رسول گرامی اسلام سؤال شد، حضرت پاسخ دادند: «التواضع فی الصلاة و ان یقبل العبد بقلبه کله علی ربه» (خشوع همانا تواضع در نماز است و اینکه بنده با

فلاسفه کشف و بدان اشاره کرده اند که افعال و کردار آدمی، در نفس و روح او مؤثر است [ابن سینا، الاشارات و التنبیها، ج ۲، نمط ثالث، ۳۰۶]. امروزه، این معنا در پرتو مطالعات روانشناختی همراه با آزمونهای تجربی، به اثبات رسیده است که هر کنش و رفتار خارجی و بلکه ذهنی، به طور قطع دارای یک یا چند واکنش درونی و نفسانی است.

نوع اثرپذیری روان انسان از یک فعل، عوامل متعددی دارد. ماهیت یک فعل یا کنش، انگیزه و نیت فاعل، تداوم و اصرار بر آن فعل، و عنصر آگاهی و بینش نسبت به یک عمل، از عواملی است که نوع تأثیر و میزان آن را به لحاظ شدت و ضعف تعیین می کند. بنابراین، ثمره مبارکه نماز یعنی بازدارندگی آن از زشتیها و کجیها، خودبخود یک سلسله لوازم ویژه ای را می طلبد که با وجود آن لوازم، می توان شاهد چنین ثمره ای بود. شایسته است در شناخت این لوازم، از خود قرآن کریم کمک بگیریم.

انگیزه و نیت

انگیزه و نیت در نماز به نحوی که خواستار آثار حقیقی نماز باشیم، اهمیت فراوانی دارد. لذا، خداوند فرمان می دهد: «اقم الصلاة لذکری» [طه/۱۲] (نماز را برای یاد من به پا دار).

مراقبت بر اوقات نماز

کسی حق دارد از نماز، انتظار ثمرات و برکات آن را داشته باشد، که بر اوقات نماز مراقبت و دقت صرف کند: «حافظوا علی الصلوات و الصلاة الوسطی و قوموا لله قانتین» [بقره/۲۳۸] (نمازها و نماز میانین را پاس دارید و مطیعانه برای خدا قیام کنید).

حضرت امیر مؤمنان علی(ع) در اهمیت حفاظت از اوقات نماز می فرمایند: «لیس عمل احب الی الله من الصلاة فلا یشغلنکم عن اوقاتها شیء من امور دنیا فان الله عزوجل ذم اقواماً فقال: «الذین هم عن صلاتهم ساهون» یعنی انهم غافلون استهانوا بأوقاتها» (هیچ عملی نزد خداوند محبوبتر از نماز نیست. پس، مبدا امری از امور دنیا شما را از اوقات نماز باز دارد، پس، همانا خداوند - عزوجل - اقوامی را سرزنش کرد «کسانی که در نمازهایشان سهل انگارند» [ماعون/۵]. یعنی، آنان غافلانی اند که اوقات معین نماز را سبک می شمارند و رعایت نمی کنند) [مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ۱۰۰].

آگاهی و هوشیاری

از دیگر ارکان نماز جهت اینکه نماز ثمربخش باشد، عنصر آگاهی و هوشیاری است. آگاهی و بینش در نماز، طیف گسترده ای دارد. یکی از مراتب آگاهی و هوشیاری، همان است که آدمی با کسالت و خمودی به سراغ نماز نرود. البته، این امر تأکید شده قرآن است، زیرا مردم عادی اغلب به این مسئله توجه ندارند: «یاایها الذین آمنوا لاتقربوا الصلاة و انتم سکاری حتی تعلموا ما تقولون» [نساء/۴۳] (ای کسانی که ایمان آوردید، در حالی که بیهوش و مست هستید به نماز نزدیک نشوید، تا بدانید آنچه را که می گوید).

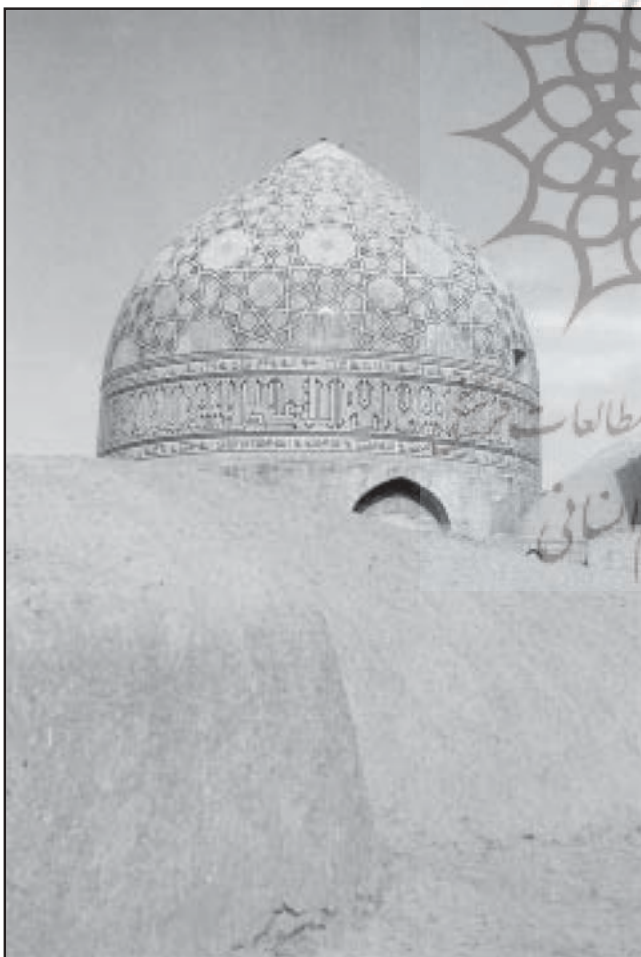
اشراق نفسانی و نور روحانی به وسیله نماز و دعا حاصل سازد. مخصوصاً با نماز و دعای خفیه در خلوت و در گوشه انزوا، باید به ساحت قدس او روی آورد» [ناس، تاریخ جامع ادیان، ۱۵۹۲].

نماز در نهج البلاغه

کتاب عظیم القدر نهج البلاغه، نزد محققان و دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان چنان منزلت بلندی دارد، که آن را فوق کلام بشری و مادون کلام الهی دانسته اند. چنین اثری طبعاً در خصوص «نماز» هر سخنی که داشته باشد، باید بسیار ارجمند و سنجیده شمرده شود. اینک، ما بر خوان گسترده این معارف بیکران، زانوی ادب و تعلم می‌زنیم و از گفتار آن حضرت درباره اسرار نماز، نکته‌ها می‌آموزیم.

فلسفه نماز

حضرت امیر(ع) در قسمت حکمتها در بیان فلسفه بعضی از عبادات، نکات دقیق و ظریفی ابراز داشته‌اند. ایشان در خصوص حکمت و فلسفه نماز چنین می‌فرمایند: «فرض الله الایمان تطهیراً من الشرك، و الصلاة تنزیهاً عن الکبر» (خداوند ایمان را برای تطهیر و پاکی از شرک و نماز را برای تصفیه از کبر و خودبزرگی بینی، واجب قرار داد) [نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲].



مسجد جامع ساوه

حضور قلب، به جانب پروردگارش روی آورد) [مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۴، ۲۶۴].

اقبال و توجه با حضور قلب کامل و تمام به سوی خداوند، همان خشوع است. مؤمنان کسانی‌اند که در نمازشان، چنین وضعیتی دارند. مرحوم طبرسی در تفسیر خود، درباره خشوع در آیه: «و الذین هم فی صلاتهم خاشعون» می‌نویسد: «ای خاضعون متواضعون متذللون لایرفعون ابصارهم عن مواضع سجودهم و لایلتفتون یمیناً و لا شمالاً» (خاشعون، افراد خاضع، متواضع و فروتن هستند، که چشمهایشان را از مواضع سجودشان بالا نمی‌آورند، و به سوی راست و چپ توجه نمی‌کنند) [ریشری، میزان الحکمه، ج ۵، ۳۸۰].

با توجه به آیاتی که درباره نماز ذکر شد، و توضیحاتی که در بیان آیات از زبان پیامبر اسلام(ص) و امامان معصوم(ع) نقل گردید، به این نتیجه می‌رسیم که قرآن به عنوان کتاب هدایت متقیان، عبادت را عموماً و نماز را مؤکداً، برای تربیت افراد و ایمان آوردگان و ارتقای روحی و رشد نفسانی آنان، واجب و لازم شمرده، و برای انتباه و آگاهی مردم با بیانات متفاوتی به این فریضه اشاره کرده است. برخی از آیات، به احکام صوری و ظاهری نماز، همچون: طهارت به وسیله وضو و تیمم نظر دارند. برخی آیات دیگر، ناظر به تأثیرات ایجابی نمازند که با لحنی تشویق‌آمیز، انسان را به نماز و دستاوردهای آن ترغیب می‌کنند. برخی از آیات بر عکس با لحنی هشداردهنده و آمیخته با خشونت، نمازگزاران را انداز می‌دهند یا نبی می‌کنند. آیاتی نیز به ابعاد باطنی نماز معطوفند، و از ارکان روحی و معنوی نماز سخن می‌گویند.

نماز در ادیان الهی دیگر

از برخی آیات قرآن کریم، بروشنی معلوم می‌شود که نماز به دین اسلام اختصاص ندارد، و در دیگر ادیان الهی نیز نماز به اشکال خاصی وجود داشته است: این مطلب زمانی بهتر درک می‌شود، که بدانیم واژه «صلاة» دو معنا دارد: معنای عام آن، همان دعا کردن است.

معنای منقول و خاص آن، همین عبادت خاص است که مطابق احکام فقهی اسلام، در اوقات معینی انجام می‌شود. از آیه ذیل، نماز در دین مسیح(ع) را می‌توان اثبات کرد: «و اوصانی بالصلاة و الزکاة ما دمت حیا» [مریم/۳۱] (و مرا به نماز و زکات تا زمانی که زنده‌ام، سفارش کرد).

در کتب تاریخ ادیان نیز به این مطلب اشاره شده است: «تعالیم عیسی دو نوع است:

الف: مبادی دینی

ب: تعالیم اخلاقی

و در مبادی دینی می‌خوانیم که: ذات متعالی الهی خیر محض، و لطف صرف است. و انسان قبل از آنکه سایه‌ای از شک و ظن به دل افکند، باید به خداوند اعتماد کند و با قلب مطمئن، پیوسته



مسجد جامع دامغان



مسجد جامع زواره

وارد شده بود، کافی بود تا به اهمیت نماز پی ببریم؛ زیرا با تعمق در ماهیت صفت ذمیمه کبر برای انسان و نتایج هولناک آن، درمی یابیم که نماز چگونه آدمی را در مسیر حیات، هدایت می کند و او را از شقاوت ابدی نجات می بخشد.

نماز اولیا

مقصود نخست از کلمه «ولی»، همان امامان معصوم (ع) می باشد، که ولایت ایشان هم به دلایل قرآنی و هم به ادله سنت و احادیث نبوی اثبات شده است. اما در درجه دوم، «ولی» معنای عامتری می یابد و به کسانی که رابطه خالصانه دوستی و محبت با خداوند دارند، اطلاق می شود.

شایسته است که تحت عنوان نماز اولیا، به حالات و سکناات اولیای دین توجه کنیم، و به قدر وسع و بضاعت معنوی از آنان بهره ببریم.

هنگامی که نماز فرا می رسید، پیامبر اسلام (ص) به مؤذن خود، بلال، می فرمودند: «ارحنا یا بلال» (ای بلال، ما را راحتی بخش) [فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۱، ۳۷۷].

اگر ایشان تصویر درستی از رابطه عبد و مولی - که بر اثر عبودیت، همچون رابطه حبیب و محبوب است - داشته باشد، این نکته را براحتی می پذیرد که وقت عبادت و سجود به درگاه او، وقت شادمانی و سرور شیفتگان و دلباختگان است.

امام صادق (ع) نقل می کنند که جدشان، حضرت علی (ع)، چگونه به هنگام نماز تغییر حالت پیدا می کردند: «کان علی اذا قام الی الصلاة فقال: وجهت وجهی للذی فطر السماوات والارض تغیر لونه حتی یعرف ذلک فی وجهه» (هرگاه علی برای نماز به پا می خاستند، پس می فرمودند: «روی خود را به جانب کسی می کنم که آسمانها و زمین را آفریده است» - (و چون چنین می گفت)، رنگ چهره و حالت او تغییر می کرد تا حدی که این تغییر در صورت او معلوم و ظاهر می شد) [مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۴، ۳۶۶].

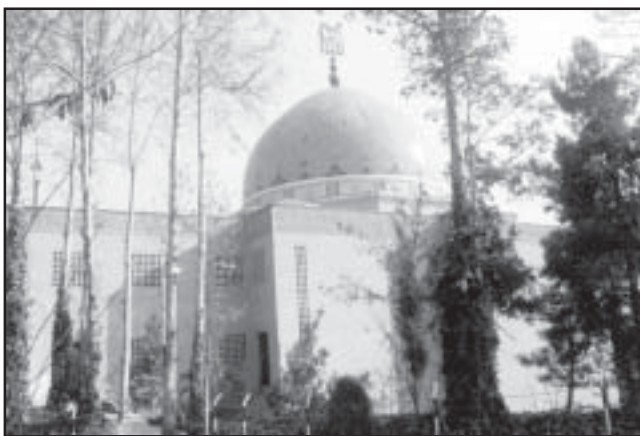
روایات بسیاری، از نگرانی و دغدغه اولیای خدا در بحبوحه جنگ، برای نماز حکایت می کند. و چه پر معنا و جانسوز است آخرین نماز حضرت سیدالشهداء (ع)، که با مقاومت و محافظت

امام علی (ع) در این بیان، بر یکی از آفات خانمانسوز روح آدمی، دست نهاده اند؛ آفتی که اغلب دامن بزرگترین عابدان و زاهدان را نیز گرفته است. آن بلای بزرگ همانا «کبر» است. برای تبیین اهمیت مسئله و وضوح اهمیت نماز، باید ماهیت کبر و پیامدهای آن را بشناسیم.

صفت «کبر»، به معنای خودبزرگ بینی، صفتی است که صرفاً از آن حق متعال است و بس. حضرت امیر (ع) به نیکوترین وجه، این حقیقت را این گونه وصف می کند: «الحمد لله الذی لبس العز و الکبریاء و اختارهما لنفسه دون خلقه و جعلهما حمیاً و حرماً علی غیره و اصطفاهما لجلاله» (حمد و ستایش خدایی راست که لباس عزت و کبریا به تن کرد، و این دو را برای خود اختیار کرد، و بر دیگران حرام نمود، و خاص جلال خویش برگزید) [نیج البلاغه، خطبه ۱۹۲].

در آیه آخر سوره حشر نیز از جمله صفاتی که خداوند برای خود برمی شمارد، اسم «متکبر» است. صفت تکبر بر خلاف دیگر صفات مانند: عادل، عالم و سخی، برای انسان نه تنها موجب رشد و کمال نمی شود، بلکه سبب هلاکت او است. مردم، افراد عالم و بصیر را اکرام می کنند، اما هرگز انسان متکبر را با طوع و رضا احترام نمی کنند. علت سقوط و رجم ابلیس، همانا منازعه او با خداوند بود که به صورت صفت کبر، آشکار شد و او را برای ابد، از درگاه رحمت حق محروم ساخت. امام علی (ع) در این باره می فرمایند: «نازع الله رداء الجبریه و ادع لباس التعزز و خلع قناع التذلل» (با خداوند بر سر ردای جبریت منازعه کرد و لباس عزت پوشید و پرده تذلل را از چهره کنار زد) [نیج البلاغه، خطبه ۱۹۲]. این عملکرد ابلیس، باعث شد که پس از هزاران سال عبادت، بر اثر کبر به یکباره نابود گردد، و ملعون و رجیم درگاه خداوند شود.

اینک که به اجمال صفت کبر و برخی پیامدهای آن را شناختیم، می توان به سهولت جایگاه نماز و اهمیت آن را دریافت و اعتراف کرد که نماز، همان اکسیری است که زنگار مهلک کبر و خودپرستی را از صفحه روح آدمی می زداید، و آن را به زلال خشوع و تذلل در پیشگاه الهی جلا می بخشد. اگر در کتاب عظیم نیج البلاغه، فقط همین عبارت: «و جعل الصلاة تنزیهاً عن الکبر» درباره نماز



مسجد دانشگاه امام صادق(ع)، تهران



مسجد جامع ایاصوفیا، استانبول، ترکیه

طریق عبودیت، در آشکار کردن برخی از اسرار و رموز آسمانی نماز زحمات بسیاری متحمل شده اند تا به گروه نمازگزاران هشدار دهند که مبدا فقط از این عطیه الهی، به ظاهر آن اکتفا کنند.

عارف زاهد و فقیه کامل، مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی(د). ۱۳۴۴ هـ. ق)، در اثر نفیس خود، اسرار الصلاة، می نویسد: «وما وقع فی السنة کتب الله وانبیائه من أسماها و أسماء اجزائها فأن ذلك أيضاً بحکم العرف و اللغة ادل دلیل علی ان المراد منها لیس الصورة المحضة» (آنچه از زبان و بیان کتب مقدس الهی و انبیا درباره اسم نماز و اجزای آن، به حکم عقل و عرف و دلالت لغت - که بهترین دلیل است - معلوم می شود، آن است که مقصود از نماز، صرفاً شکل ظاهری و صوری آن نیست) (ملکی تبریزی، اسرار الصلاة، ۳۰۱)

سیدبن طاووس در کتاب خود، فلاح السائل، از امام صادق(ع) نقل می کند که کسی به نام رزام از حضرت پرسید: نماز و حدود آن چیست؟

دو تن از اصحاب فداکارش در ظهر عاشورا، اقامه می شود. گویی با هر جراحت و زخم، عاشقانه صلا می دهد که نبرد و شهادت من برای اقامه نماز بود؛ نمازی که نبی از فحشا و منکر از لوازم و نتایج آن است و بدنبال خود، جهاد و خون و شهادت را به انسان می آموزد.

اولیای دین به دلیل ارواح لطیف خود، نوعی حضور و شهود را به هنگام نماز ادراک می کردند. به دلیل همین مشاهده و احساس حضور، یا رنگ چهره شان تغییر می یافت یا پاهایشان از درک عظمت و جلال خداوند به لرزه می افتاد. سید بن طاووس نقل می کند: «کان ابو جعفر و ابو عبدالله(ع) اذا قاما الی الصلاة تغیرت الوانها حمرة و مرة صفرة کأنما یناجیان شیئاً یریانه» (هرگاه امام باقر و امام صادق(ع) به نماز برمی خاستند، رنگپایشان به سرخی و باری به زردی دگرگون می شد؛ گویی چنان است که با چیزی که آن را می بینند، مناجات می کنند) (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۴، ۱۲۴۸).

نماز برای اولیا، گفتگو یا ستایش غایبانه و غریبانه نیست، بلکه عین حضور و نزدیکی با خداوند است. نزد اغلب نمازگزاران، نماز مانند گفتگویی یک طرفه است؛ زیرا به دلیل اقسام حجابهای درونی و ظلمانی، درک حضور حق و عظمت آن برای ایشان ممکن نیست. در حالی که در جوامع روایی ما آمده که نماز، سخن گفتن انسان با خداست.

وقتی از امام سجاد(ع) درباره تغییر احوالشان به هنگام وضو و نماز سؤال می کنند، حضرت پاسخ می دهند: «انی ارید الوقوف بین یدی ملک عظیم» (همانا می خواهم در پیشگاه ملک و فرمانروایی بزرگ و عظیم بایستم) (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۴، ۲۶۵).

برای تحصیل حالاتی نزدیک به احوال اولیای دین به هنگام نماز، از سوی خود اولیا و نیز علمای اخلاق سفارشهایی شده است. مهمترین این امور، عبارت است از تعدیل و تصفیه تعلق به مادیات، زخارف و تجملات مادی. اصلاً نفس ماده، ملاک دوری و عدم ادراک است. هرچه تعلق به مادیات بیشتر باشد، بهره مندی از انوار معنوی کمتر است. دیگر از این امور، پرهیز از معاش حرام و مداومت در اذکار و اوراد مخصوصه به هنگام وضو است.

بجز مسائل معنوی، اولیای دین عنایت خاصی به امور ظاهری مبذول می داشتند، به طوری که هنگام نماز پاکیزه ترین لباسپایشان را می پوشیدند و معطر با خشوع تمام در پیشگاه الهی به نماز می ایستادند. این جنبه نیز در نماز اولیا قابل توجه و تأمل است؛ چنانکه قرآن دستور می دهد: «خذوا زینتکم عند کل مسجد» (اعراف/۳۱) (خود را برای رفتن به مسجد و در مسجد آراسته و مزین سازید).

باطن نماز در عرفان اسلامی

نماز به عنوان برترین صورت پرستش، حقیقتی و رای افعال و اجزای ظاهری اش دارد. بسیاری از ارباب معرفت و سالکان

«بدان ای عزیز، که در پاره ای از روایات از مولی الموحدین امیرالمؤمنین(ع) نقل شده است که فرمود: «انا صلاة المؤمنین و صیامهم» (من، نماز و روزه مؤمنان هستم). و حضرت صادق(ع) در مکاتبه اش برای مفضل فرمود: «نحن الصلاة و نحن الزکاة». یعنی زمانی حقیقت نماز و زکات یا روزه تحقق می یابد، که آمیخته به ولایت و محبت اهل بیت(ع) باشد. این معنا، در تفسیر برخی آیات قرآن نیز مورد تأکید قرار گرفته است، و ولایت اهل بیت و ائمه معصومین را شرط قبولی عبادات معرفی کرده است. مؤید این معنا، روایاتی است که در تفسیر آیه شریفه: «انا عرضنا الامانة على السموات والارض والجبال...» وارد شده است. امام صادق(ع) در این خصوص می فرماید: «هی ولایة امیرالمؤمنین» [امام خمینی، آداب الصلاة، ۲۸].

به نظر عارفان، بالاترین و بدترین زیانکاری، غفلت از روح و باطن نماز است. امام خمینی(ره) در این باره تأکید می کنند: «اكتفا نمودن به صورت ظاهری نماز و قشر آن و محروم ماندن از برکات و کمالات باطنیه آن - که موجب سعادت ابدیه بلکه باعث جوار رب العزة و مرقة (نردبان) عروج به مقام وصول به وصال محبوب مطلق که غایت آمال اولیاء و منتهای آرزوی اصحاب معرفت و ارباب قلوب بلکه قره العین سید رسال(ص) است -، از اعلی مراتب خسران و زیانکاری است که پس از خروج از این نشسته و ورود در محاسبه الهی، موجب حسرتی است که عقل ما از ادراک آن عاجز است» [امام خمینی، آداب الصلاة، ۴۰].

در خصوص ادب حضور در نماز، اشارات مهمی از ائمه هدی(ع) رسیده، که ناظر به عظمت روح نماز است. در مصباح الشریعه از امام صادق(ع) نقل شده است: «واحذر ان تطأ بساط ملک الا بالذل والأفتقار» (بر حذر باش از اینکه بر بساط پادشاه و ملک خود قدمی نهی، مگر با قدم ذلت و مسکنت) [امام خمینی، آداب الصلاة، ۴۲].

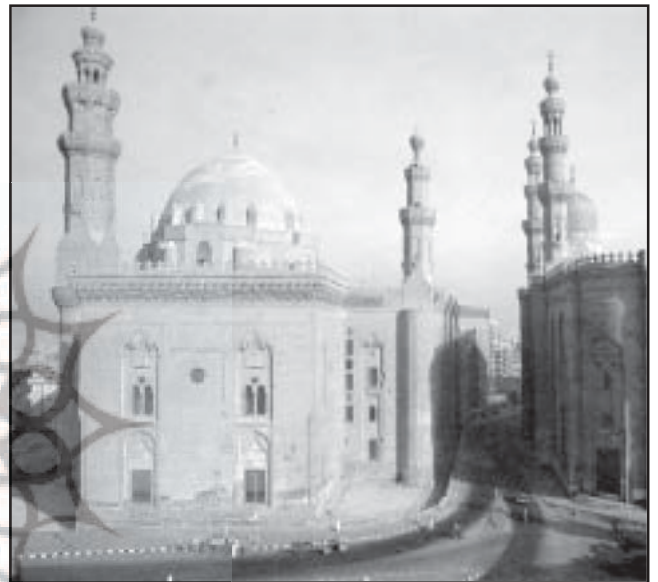
نماز در ادعیه و متون دینی

در میان کارکردهای مختلف زبان که انسان آنها را به کار می گیرد، دعا کارکرد ویژه ای دارد. دعا، یک درخواست معمولی نیست تا بتوان آن را از جملات انشایی محسوب کرد. دعا، آن درخواست و خواهش خاصی است که در یک طرف، انسانی با همه نواقص خود قرار دارد و در جانب دیگر، وجودی بی انتها و نامحدود. این خواهش، با تضرع و تذلل همراه است. لذا، دعا در مقایسه با دیگر گفتارهای انسانی، رابطه عمیقتری با روح و روان انسان دارد. بسیاری از معارف و حقایق اصیل که در قالب اقوال عادی نمی گنجد، در قالب ادعیه به گونه ای متعالی و دلنشین ابراز شده است.

دعا به گفته امام خمینی(ره)، قرآن صاعد است؛ در مقابل قرآن نازل، که از آسمان به سوی بشر و برای هدایت او آمده است. دعا از سوی بشر، به جانب آسمان صعود می کند. و چون دعا کلام درونی و حقیقی انسان است، گویی در واقع نمودار وجود او است. پس انسان با دعا، به سوی آسمان صعود می کند. از این رو، اولیای الهی و اصحاب معرفت در این عروج



مسجد جامع اصفهان



مسجد سلطان حسن و مدرسه رفاعی، قاهره، مصر

حضرت فرمودند: «للصلاة اربعة آلاف حد لیسبت تغنی بواحد منها» (نماز چهار هزار حد دارد، که یکی از آنها را به طور کامل به جای نیابوردی)

پس، رزام سؤال کرد: آنچه را که ترک آن روا نیست، بیان فرمایید. در پاسخ، امام سخنان مفصلی را بیان کردند که بخشی از آن، چنین است: «لا تتم الصلاة الا لذی طهر سابغ» [امام خمینی، آداب الصلاة، ۱۲ و ۱۳].

امام خمینی(ره) در شرح و تفسیر این فقره از حدیث می فرمایند: «معنای ظاهری طهر سابغ، آن است که (نمازگزار) وضویی بسازد که آب تمامی اعضای وضو را فراگیرد. و اما معنای طهر سابغ به حسب باطن، چنان است که طهارت تمام وجود نمازگزار را از ظاهر و باطن و قلب و فکر، فراگیرد. و هیچ نقطه ای از وجودش، آلوده به نجاست گناه و لوث رذایل اخلاقی نباشد» [امام خمینی، آداب الصلاة، ۱۳].

در بخش دیگری تحت عنوان: «معنای ولایتی نماز»، حضرت امام(ره) حقیقت دیگری از نماز را روشن و آشکار می کنند:

فردی و اجتماعی ایشان، ارکان متعددی داشته که یکی از مهمترین آنها، برپا کردن نماز بوده است. لذا، به زائران توصیه شده است که به گاه زیارت قبور ایشان، بر نماز و نمازگزاران آنان شهادت دهند. در زیارت امام حسین(ع) در روز عاشورا می خوانیم: «اشهد انک قد اُقيمت الصلاة و اتيت الزكاة».

نقش سازمان یا دستگاه فرهنگی کشور در اشاعه فرهنگ نماز اگرچه نماز در شکل اولیه اش به صورت یک امر فردی ظاهر می شود، اما به لحاظ تأثیرات بالقوه در منش و زندگی تک تک افراد جامعه، کارکرد وسیع اجتماعی دارد.

در نظر جامعه شناسان، دین به طور کلی و برخی شعایر آن بویژه، در جوامع مختلف دارای آثار و کارکردهای متفاوت است. البته، عوامل مختلف قادر است در قوت و ضعف این کارکرد، اثر گذارد. به همین دلیل، می خواهیم ببینیم که دستگاه یا نهادهای دولتی چگونه می توانند زمینه های اجتماعی جامعه را مستعد و میا سازند تا کارکرد یکی از مهمترین شعائر دینی، نماز، در بالاترین درجه معنوی - اخلاقی خود، در میان افراد جامعه ظاهر شود.

بر اساس مطالب پیشگفته، مهمترین کارکرد نماز، سوق دادن انسان به سوی اخلاق پسندیده، دعوت به خویبها و بازدارندگی از گناهان و زشتیهاست. بنابراین، وقتی از زمینه های مساعد برای تحقق کارکرد نماز سخن می گوئیم، منظور این است که کدام زمینه ها یا شرایط را دستگاه های فرهنگی دولتی می تواند فراهم سازد تا در آن شرایط، شوق انجام دادن فرایض دینی و اخلاقی و پرهیز از گناه و زشتی، به بیشترین حد ممکن برسد. وزارتخانه ها یا نهادهای کشور، به عنوان یک سازمان توانمند اجرایی، قادرند با بهره گیری از شیوه های متنوع و متناسب در گستره ای وسیع، فرهنگ و فلسفه نماز را تبیین و تقویت کنند. برای اینکه از فرآیند عملکرد و رموز موفقیت سازمانهای دولتی آگاه شویم، ناگزیر باید به دو اصل اساسی توجه شود:

۱. تشخیص وظایف و مسئولیت های سازمانها و دستگاههای فرهنگی در راه وصول به اهداف سازنده و اصلاحگرانه اجتماعی
۲. شناخت دقیق ابزارها و امکانات موجود سازمانها و

دستگاههای دولتی

در باره اصل اول، نیازی به توضیح اضافی نیست، چرا که همگان اتفاق نظر دارند که وظیفه سازمان یا دستگاههای فرهنگی، همانا اشاعه و توسعه صلاح و سداد فکری و اخلاقی افراد، و ایجاد زمینه های مناسب برای رشد و ارتقای فرهنگ مذهبی و علمی در میان گروههای مختلف جامعه است.

آنچه بیشتر قابل تأمل و بررسی می باشد، اصل دوم است که سازمانهای دولتی به عنوان وسایل و وصول به هدف، از آنها بهره می گیرند.

در یک تقسیم بندی اولیه، این وسایل در سه محور قابل شناخت است: هنر، کتاب و کتابخوانی، نشستها و سمینارهای علمی - فرهنگی.

در این میان، هنر به علت ویژگیهای خاص خود، اعم از دو محور دیگر است و بیشترین و متنوع ترین مخاطبان را زیر پوشش

آسمانی، هر چیزی را طلب نمی کنند، بلکه تعمد و تأکید دارند که خیرالامور را از خداوند بخواهند.

یکی از مهمترین درخواستهای اولیای دین در ادعیه خود، نماز بوده است. حضرت ابراهیم خلیل(ع) از خداوند می خواهد، که او و خانواده اش را از نمازگزاران قرار دهد: «رب اجعلنی مقیم الصلاة و من ذریتی» [ابراهیم/۴۰] (پروردگارم، مرا و [گروهی] از فرزندانم را برپادارندگان نماز قرار بده).

در دعای ندبه که از ادعیه مشهور و موثق است، از خداوند می خواهیم که نماز ما را به شفاعت حضرت حجت(عج) قبول بفرماید: «واجعل صلواتنا به مقبولة».

همچنین، امام سجاد(ع) در ادعیه عالیه خود از مناجات خمس عشره، در پانزدهمین مناجات، «مناجات زاهدان»، از خداوند می طلبد که نمازهایشان را به برکت موهبت و بخشش خود، زیبایی بخشد: «واجمل صلاتنا من فیض مواهبک».

یکی از ارجمندترین حقایق در خصوص نماز و شناخت جایگاه آن، فقرات و عبارات مشابهی است که در اغلب زیارات ائمه(ع) وارد است. این گونه مطالب، این حقیقت را می رساند که حیات

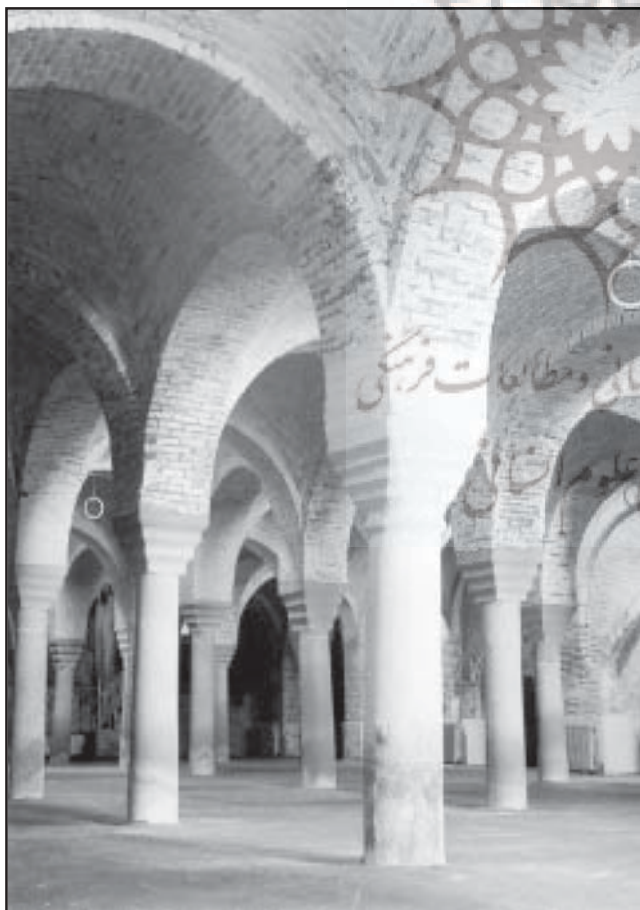


مسجد سکولو محمد پاشا، استانبول، ترکیه

هنرمند، لازم است تا به دیگر علوم و اطلاعات ضروری دست یابد. یک اثر هنری زمانی بیشترین امکان تأثیر را می‌یابد، که آمیزه‌ای از ذوق و فن باشد. کلام را به سخن دلنشین هنرمند شهید، سیدمرتضی آوینی، حسن ختام می‌بخشیم: «اگر برای مصداق جمعی بشر بتوان ضمیری تصور کرد، هنرمندان حکایتگر آن ضمیر هستند. هنر، محاکات حضور و غیاب بشر، نسبت به حق است».

منابع:

۱. ابن سینا، الاشارات والتنبیها
۲. افلاطون، مجموعه آثار افلاطون
۳. [امام] خمینی، سیدروح...، آداب الصلاة
۴. ریشهری، محمد، میزان الحکمة
۵. فیض کاشانی، ملامحسن محجة البیضاء
۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار
۷. ملکی تیزی، میرزا جواد، اسرار الصلاة
۸. ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت



مسجد جامع همدان

خود می‌گیرد. کتاب با همه تنوعش، افراد بیسواد یا حتی بسیاری از باسوادان را شامل نمی‌شود. سمینارها از دو محور دیگر اخص است، و فقط اقشار متخصص را فرا می‌گیرد. لذا، عمومی‌ترین و گسترده‌ترین ابزار در دست وزارتخانه‌ها، هنر با همه شکلهای و صورتهای آن است.

در محور کتاب و کتابخوانی، لازم است تا با چاپ و نشر کتابهای مفید برای سنین معین و با محتوای متناسب، در راه اعتلای فرهنگ نماز قدم برداریم. هر ساله شاهدیم که در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، یک غرفه بزرگ به این امر اختصاص می‌یابد. لذا، می‌توان گفت که برنامه ریزیهای حساب شده در دو محور کتاب و سمینارها، در مسیر مناسب خود قرار گرفته‌اند و فقط باید تلاش کرد تا بالندگی و پویایی خود را در این مسیر حفظ کنند. اما آنچه قابل بحث و دقت نظر می‌باشد، مسئله هنر است. هنر نافذترین و جذابترین وسیله ابلاغ پیام است. تاکنون، همه کم و بیش شاهد بوده‌ایم که چسان از این وسیله، در راه ترویج ارزشهای غیراخلاقی و افکار ضدانسانی استفاده شده است. اما کسانی که تعهد اصلاح و دین‌پروری را بر گردن خویش پذیرفته‌اند، می‌بایست از این ودیعه خداوند که در جان و روح انسانهای هنرمند نهاده شده است، به بهترین وجه استفاده کنند. منظور ما از استفاده بهینه از هنر، این است که دارای خصوصیات زیر باشد:

الف: لازم است تا ماهیت و کارکرد هر صورت از هنر، نزد هنرمندان آن رشته معلوم و مشخص باشد. هر شکلی از هنر، کارکرد و تأثیر خاصی دارد. یک پیام را با برخی از صورتهای بهتر و قویتر از دیگر صورتهای می‌توان نشان داد. شاید عبودیت و تذلل انسان را در برابر خداوند، در قالب نقاشی بهتر بتوان رسم کرد، اما تأثیرات نماز را در زندگی فردی و اجتماعی انسانها، در قالب داستان یا فیلم روشنتر و بهتر بتوان بیان نمود.

ب: نکته مهم دیگر، شناخت مخاطبان و میزان اطلاعات آنان است. اشاعه فرهنگ نماز برای هر سطحی، بیان ویژه خود را می‌طلبد. زبان هنر برای کودکان، بیشتر دارای جلوه‌های صوری است. اما برای جوانان و بویژه دانشجویان، نمی‌توان فقط به جلوه‌های صوری و زیباشناختی اکتفا کرد، بلکه لازم است تا علاوه بر اینها، زبان هنر بارور از یک اندیشه و تفکر باشد. هنر متعهد - در مقابل فرمالیسم (هنر برای هنر) - به دنبال همین معناست. یعنی، هنر زمانی محترم و ارجمند به شمار می‌رود، که پیک آزادی انسان از بندگی طاغوتهای درون و برون، و پیام آور عبودیت انسان در برابر هنرمند مطلق کارگاه هستی باشد.

ج: یکی از آفات زبان هنری در اغلب اشکال آن، گفتگوی مستقیم با مخاطب است؛ بدین معنا که پیام را خالی از هرگونه آفرینش گفتاری، تصویری یا موسیقایی، به نحو مستقیم با مخاطب در میان بگذاریم و بدتر اینکه، صورت امر و نبی پیدا کند. زبان هنر باید زبانی توصیفی باشد، نه تکلیفی تا مخاطب با مشاهده آن اثر هنری، خود، از واقعیت توصیف شده به یک سلسله نتایج یا حتی پرسشهای ارزشی یا فلسفی دست یابد.

برای دستیابی به نکات مذکور علاوه بر جنبه روحی و تعهد